

## تئوری ترجمه در غرب (۶)

### گفتگوی فرمانروا و دبیر

### درباره ضرورت ترجمه

جان تراویسا<sup>۱</sup>

ترجمه عبدالله کوثری

درباره زندگی جان تراویسا، از نویسندگان قرن چهاردهم، آگاهی چندانی در دست نیست. این قدر می دانیم که او اسقف برکلی بود و کتاب *Polychronicon* نوشته رالف هیگدن (۱۳۶۴-۱۲۸۰) و نیز *De Proprietatibus* نوشته بارکولونو را به انگلیسی ترجمه کرد. همچنین گمان می رود که در ترجمه کتاب مقدس به انگلیسی نیز شرکت داشته است.

### گفتگوی فرمانروا و دبیر درباره ضرورت ترجمه (۱۳۷۸)

فرمانروا - (از آن زمان که برج عظیم بابل نباشد آدمیان به زبانهای گونه گونه سخن گفتند. اقوام گوناگون با زبان یکدیگر بیگانه و در دریافت سخن هم ناتوانند. کلام تنها آنگاه دریافت می شود که آن را آموخته باشیم و آموزش کلام به شنیدن است. پس آن که ناشناخت بناچار گنگ نیز هست، زیرا کلامی نمی شنود تا آن را بیاموزد. بدین گونه است که مردمان اقلیم دور از هم که به زبانهای مختلف سخن می گویند، اگر زبان یکدیگر را بیاموزند در دریافت کلام یکدیگر در می مانند. باری، اینان اگر چه با هم دیدار می کنند و سخت نیازمند داشتن احوال هم و شیوه گفتار هم اند، از کلام یکدیگر چندان چیز در می یابند که از قیل و قال غازی.

چون چنین است، گوینده خواه به آهستگی سخن گوید یا شتاب در سخن آورد، شنونده چیزی از سخن در نخواهد یافت، حتی اگر گوینده به جای سلام دشنامش گفته باشد. این بلایی است که دامان آدمی را گرفته است. اما خداوند به رحمت و شفقت خود این بلا را چاره ای دوگانه مرحمت کرده است. نخست آن که هستند کسانی که می توانند زبانهای گوناگون را بیاموزند و از برای دو تن که زبان یکدیگر را نمی دانند میانجی باشند و مراد و مطلب هر یک را برای دیگری بازگو کنند. دیگر آن که مردمان اقلیم گوناگون می توانند زبانی واحد بیاموزند و جملگی آن زبان را به کار گیرند. بدین گونه است که زبان لاتین

1. John of Trivisa

خاصه در این سوی یونان، در همه ممالک اروپا آموخته می‌شود. از این روست که دبیران نوشته‌ها و کتابهای خود را به زبان لاتین می‌نگارند تا اقوام گوناگون در سرزمین‌های گوناگون آن نوشته‌ها و کتابها را بخوانند و بفهمند. چنین است که رالف هیگدن، راهب اهل راجستر کتاب وقایع نامه خود را به زبان لاتین نوشت، و این کتابی است که از سرتاسر عالم سخن می‌گوید و از عجایب اعمال و غرایب احوال یاد می‌کند و از ابتدای خلقت آسمان و زمین تا واپسین روزهای عمر نویسنده را به تفصیل برمی‌شمارد. دانستی‌های پس ارجمند در این کتاب است که به خواندن و دانستن می‌ارزد. از این روست که می‌خواهم این کتاب از زبان لاتین به زبان انگلیسی برگردانده شود تا مردمانی بیشتر آن را بخوانند و از دانش و آگاهی نهفته در آن بهره‌ور گردند.

**دبیر** - این کتاب وقایع نامه به زبان لاتین نوشته شده و این زبان را بسیاری از مردمان، خاصه در همه ممالک اروپا می‌خوانند و به کار می‌گیرند، حال آنکه زبان انگلیسی را هیچ کس جز مردمان انگلیسی نمی‌داند، پس اگر این کتاب وقایع نامه از زبان لاتین به زبان انگلیسی برگردانده شود، چگونه مردمان بیشتری آن را خواهند خواند؟

**فرمانروا** - این پرسش و تردید را به آسانی می‌توان پاسخ گفت. زیرا اگر این وقایع نامه از زبان لاتین به زبان انگلیسی برگردانده شود، آن خیل عظیم از مردمان که انگلیسی می‌دانند و لاتین نمی‌دانند آن را خواهند فهمید.

**دبیر** - شما خود می‌توانید به زبان لاتین سخن بگویید، بنویسید و آن را بفهمید، پس چه نیازی به ترجمه انگلیسی آن دارید؟

**فرمانروا** - من این استدلال را نمی‌پذیرم، زیرا اگر چه زبان لاتین را می‌دانم، بسیار کلمات در این کتاب هست که نه من و نه شما معنای آنها را نمی‌دانیم، مگر آنگاه که از این و آن بپرسیم یا در کتابی دیگر جستجو کنیم. دیگر این که، اگر چه این ترجمه به کار من می‌آید، برای مردمانی که زبان لاتین نمی‌دانند ضروری است.

**دبیر** - آنان که زبان لاتین نمی‌دانند بروند و بیاموزند.

**فرمانروا** - نه، چنین نیست. این کار همگان را میسر نمی‌شود. برخی به سبب شغل و حرفه‌ای که دارند، برخی به سبب سن و سالی که برایشان گذشته، برخی به سبب ناتوانی ذهن و برخی به سبب نداشتن امکانات و وجود موانع بسیار در این کار ناتوانند.

**دبیر** - چنین مردمانی نیازی به خواندن وقایع نامه ندارند.

**فرمانروا** - دامنه نیازها را این چنین تنگ در نظر مگیر. که اگر این گونه بنگری تنها آن چیزی ضروری است که بی وجود آن کار دنیا سر نمی‌گیرد. فی‌المثل خدا باید باشد و نبود خدا ممکن نیست. باری، اگر چنین بنگری هیچ کس نیازی به خواندن وقایع نامه ندارد، چرا که این کتاب نه نان است و نه آب که مایه بقای حیات اند. اما گونه‌ای دیگر نیز می‌توان اندیشید و آن این که هر چیز سودمند مورد نیاز است، و

بنابراین همه کس نیاز دارد که وقایع نامه را بخواند.

دبیر - اگر چنین باشد، آنان که زبان لاتین نمی‌دانند می‌توانند از آنان که این زبان را می‌دانند پرسند و آگاه شوند.

فرمانروا - سخنان غریبی می‌گویی. زیرا آن کس که چیزی نیاموخته خود نمی‌داند چه چیز را باید پرسد و نیز نمی‌داند که از چه کس باید پرسد. همچنین، همه آنان که زبان لاتین می‌دانند این گونه کتابها را در دسترس ندارند تا دیگران را از آن آگاه کنند، برخی دیگر از عهده این کار بر نمی‌آیند و برخی دیگر حال و مجال این کار ندارند.

پس ضروری است که ترجمه انگلیسی این کتاب را داشته باشیم.

دبیر - من در زبان لاتین کم و کاستی نمی‌بینم، پس چه نیازی به ترجمه انگلیسی داریم؟

فرمانروا - اگر این گفته را بپذیریم باید بگویم هفتاد مترجم کتاب مقدس و نیز آکوئیل، سیمناخوس، تنودوتیون و آن کس که نخستین بار به ترجمه دست زد و همچنین اوریگنس، بیهوده این رنج را بر خود هموار کردند که احکام الهی را از زبان عبری به زبان یونانی برگردانند و نیز جروم قدیس به کاری بی‌ثمر برخاست آنگاه که این احکام را از عبری به لاتین ترجمه کرد، زیرا زبان عبری هیچ کم و کاستی ندارد و با الهام از روح القدس نوشته شده است؛ حال آنکه می‌دانیم همه این نویسندگان به پاس ترجمه‌هاشان در کلیسای مقدس ستایش می‌شوند. پس استدلال شما، چندان اعتباری ندارد. در مورد زبان لاتین نیز می‌توانیم بگوییم این زبان هیچ کم و کاستی ندارد. با این همه خواندن احکام الهی به زبان لاتین برای مردمی که این زبان را نمی‌دانند کاری بیهوده است، مگر آنگاه که معنای عبارات را به زبان انگلیسی برای ایشان بازگو کنیم، و این کار صورت‌پذیر نیست، مگر زمانی که آن احکام از زبان لاتین به زبان انگلیسی ترجمه شوند. پس دسترسی به ترجمه‌ای انگلیسی ضروری است و ما را یاری می‌کند تا این احکام را همیشه در ذهن داشته باشیم، و همان بهتر که این ترجمه مکتوب باشد نه شفاهی.

دبیر - بسیاری از این کتابها حاوی احکام الهی هستند و به دست حکیمان الهی و فیلسوفان نوشته شده‌اند. ترجمه این احکام به زبان انگلیسی روان نیست.

فرمانروا - شگفتا که شما سالیان دراز به مدرسه رفته‌اید و آنگاه به استدلالی چنین بی‌مایه توسل می‌جوید. کتابهای ارسطو و بسیار کتابها در منطق و فلسفه نیز از یونانی به لاتین ترجمه شده است. همچنین می‌دانیم که جان اسکات به درخواست شاه چارلز کتابهای ویرسوسوس آریو پاگولی<sup>۱</sup> را از یونانی به لاتین برگرداند و همچنین احکام الهی را از عبری به یونانی و آنگاه از یونانی به لاتین و سپس از لاتین به فرانسه ترجمه شده است. حال پرسش این است که زبان انگلیسی چه گناهی کرده است که آن

۱. اشاره به مترجمان کتاب مقدس، این ترجمه به ترجمه هفتادی شهرت دارد. م.

۲. Dionysios - از قدیسان قرن اول میلادی که نخستین اسقف آتن بود. در قرون وسطی بسیاری از کتابهای فلسفی را به او نسبت می‌دادند، اما امروز روشن شده که این آثار از نویسندگانی دیگر (از قرن ششم) است که به دیونوسیوس کاذب شهرت یافته. م.

احکام نباید به این زبان ترجمه شوند؟ حال آنکه می‌دانیم شاه‌الفرید که دانشگاه آکسفورد را بنیان نهاد بهترین قوانین را و بخشهایی از مزامیر داوود را به انگلیسی برگرداند و ورفرت<sup>۱</sup> اسقف و وستر را تشویق کرد که کتابهای گریگوری قدیس را از زبان لاتین به زبان ساکونی ترجمه کند. همچنین که من با الهام از روح‌القدس ترجمه منظوم دلنشینی از همه قصص کتاب مقدس فراهم آورد.

باری، من برای این عقیده‌ام که انجیل و نیز احکام کلیسای مقدس جملگی باید به زبان انگلیسی روایت شوند و این نیز میسر نمی‌شود مگر با ترجمه این متون به زبان انگلیسی دبیر- اگر این ترجمه صورت پذیرد و نیازی به تصحیح و اصلاح داشته باشد، بی‌گمان هستند کسانی که زبان ملامت بگشایند.

**فرمانروا** - اگر مردمان چیزی را ملامت کنند که سزاوار ملامت نیست، ایشان خود باید ملامت شنوند. دبیران خود نیک می‌دانند که آدمی هرگز کاری نکرده که بهتر از آن از او ساخته نباشد و نیز هیچ مترجمی ترجمه‌ای به دست نداده که ترجمه‌ای بهتر از آن از او بر نیاید. از این روست که اوریگنس دو بار و جروم قدیس سه بار مزامیر داوود را ترجمه کردند. من چشم آن ندارم که ترجمه این کتابها بهترین ترجمه‌ها باشد، چرا که این انتظاری بی‌جا از آدمیانی است در اینجا و اکنون می‌زیند. آنچه می‌خواهم ترجمه‌ای است که به آسانی خوانده و دریافته شود.

**دبیر** - عالی‌جناب خوش دارند این ترجمه‌ها منظوم باشد یا منثور؟

**فرمانروا** - بهتر که منثور باشد، زیرا زبان نثر اغلب روشن‌تر و ساده‌تر از نظم است و آسانتر فهمیده می‌شود.

**دبیر** - پس خداوند به رحمت خود ما را خرد و زبانی اعطا کند که بدین کار برخیزیم و آن هشیاری به ما ارزانی دارد که معنای درست هر کلمه را دریابیم و به ترجمه در آوریم آن سان که اب و روح‌القدس از ما خوشنود گردند.